

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اطلاعات اثر:

نام اثر: (گندمزار)	نویسنده: (محمد امین (رضا) سیاهپوشان)
سطح اثر: (برنزی)	نوع اثر: (فی البداهه)
تعداد صفحات: (پانزده)	ژانر اثر: (عاشقانه، اجتماعی)
حقوق اثر: (تمامی حقوق این اثر نزد رمانیک محفوظ است.)	اختصاصی بودن اثر: (بله)

لینک های اثر:

لینک نمایه نویسنده: (کلیک کنید)	لینک تایپیک اثر در انجمن: (کلیک کنید)
لینک سایت اصلی رمانیک: (کلیک کنید)	لینک انجمن رمانیک: (کلیک کنید)

تایپ آثار



تیم اجرایی اثر:

کیست:
(Niloofar-N)

طراح جلد:
(ترلان محمدی)

منتقد:
(مدیر نقد)

ویراستار:
(Mahi1390)

مقدمه:

زیبا ترین گندم زار دنیا گندم زار زیبای خرمن موهای توست وقتی بر شانه ات می ریزد و زیبا ترین صحنه دنیا را می سازد و من دیوانه اش می شوم.

می دانی، خوش به حالم که چون تویی دارم که هیچ کس ندارد و هیچ کس هم نخواهد داشت. اگر مجنون لیلا را داشت و شیرین فرهاد را و رامین ویس را من هم تو را دارم بهترین عشقم.

کاشکی آلزایمر بگیرم؛
کل آدمای دنیا یادم برن حتی اسم خودمم یادم بره و تنها چیزی که یادم باشه تو باشی فقط تو چون موندگار ترین نقش تو ذهنمی.

R O M A N I K

زیبا ترین گندمزار دنیا گندمزاری با خوشه‌های طلایی گندم نیست نه زیبا ترین گندمزار دنیا گندمزار خرمایی موهای توست که با تابش آفتاب بر تکه‌های لخت موهایت زیبا ترین گندمزار دنیا را رسم می کند.

مردم بر سر جوی آب می نشینند و به گذر عمر می نگرند و لذت می برند اما من بر کنار رود می نشینم و به تو فکر می کنم چون چیزی برای داشتن نمی خواهم بجز تو، حتی بر آب رود هم که می نگرم به جای تصویر خودم عکس تو را در زلالی آب می بینم.

همه به ساحل می‌روند تا از منظره اقیانوس و دریا لذت ببرند ولی من از هیچ کدام لذت نمی‌برم چون ساحل زیبای چشمان تو را دیدم و غرق و محو نگاه تو شدم

لذت‌بخش‌ترین گردش و تفریح دنیا همان گردش و تفریحیست که تو در کنارم باشی و گلی بر موهات بنشانم و ضعف کنم از دیدن زیبایی خدادادیت که زیبا ترین زیبایی دنیاست.

هر وقت در دوست داشتن یکی شک کردید بدون دلتنگش شدی و قلب هی داره یه دلیل پیدا می‌کنه که اون دلتنگی رو پس بزنه و یه جور دیگه عنوانش کنه. تو به عشق کسی شک نکن.

R O M A N I K

دلتنگ بودن نشونه و علامت عشق و دلدادگی به یک نفره و دقیقا مثل با دود علامت‌دادن سرخپوست‌هاست که علامتی برای پیدا کردنشون بوده برای عشق‌هم دلتنگی همون حکم رو داره حتی حساس‌تر و برنده‌تر.

نمی‌دونم اون چه مرضیه که صبح تا چشمت باز میشه دو دستی می‌پری و گوشه رو بر می‌داری و چک می‌کنی ببینی پیام برات فرستاده و پیام‌های قشنگش روزت رو میسازه و تو

رو پر از انرژی می‌کنه. منم همون مرض رو دارم صبح تا چشمام باز میشه می‌پریم
چارچنگولی رو گوشه‌ی تا پیام‌های تو رو بخونم!

می‌دونی بعضی موقع قلبت درد داره و حالت از عالم و دنیا گرفته نابود و داغون و ترکیده
هستی و دلت می‌گه یه لحظه آهنگ صداشو بشنوم اوکی میشه نه اصلا یه لحظه صدای
نفساشو بشنوم اوکی می‌شم ولی چشمات می‌گه قلب عزیز حتی اگه یه دونه پیامم داده باشه
خوبه‌ها ولی دریغ از یه پیام، زنگ و یا حتی یه دونه ویس خالی که صدای نفساش توش ضبط
شده باشه اون جاست که قلبت فشرده می‌شه و درد می‌گیره

همه فقط به تو نگاه می‌کنند و مثل رهگذر می‌گذرند و می‌روند ولی نمی‌دانند که صاحب این
چشمان جادویی پسری غریبه‌ست که آشناتر از هر آشنایی برای صاحب این چشمان
جادویی‌ست و حتی رد نگاه و گوشه‌چشمی از این چشمان زیبا و دلربا مورفین تمام
دردهای این سپهد عاشق‌ست.

همه از دلتنگی و دوری از حرم می‌گویند و گلدسته و گنبد حرم را که می‌بینند گریه
می‌کنند ولی هیچ‌کس از دلتنگی معشوق نمی‌گوید که عکسش تصویر زمینه گوشیت‌ست و
روزی هزار بار می‌بوسیش ولی خودش نباشه کاش یکی هم از این حال عاشقا می‌گفت.

اگر دیدی کسی بیشتر از من دوست‌داره بدون که من مردم و تو این دنیا نیستم چون بیشتر از مادر دل‌داده توام و بیشتر از خداوند دوست‌دارم و منتظرم که تو بیایی بشوی تنها کسی که دوست‌دارم تکیه‌گاهش باشم.

یه جمله‌ی قشنگ می‌گه پشت هر مرد موفق یه زن عاشق ایستاده که اون زن و مرد پشت و پناه هم‌دیگه باشن و بتونن بهترین چیزا رو باهم دیگه داشته باشن. درست مثل من و تو که پشت همیم تا زندگی عاشقونمونو بسازیم.

از زیبایی زندگی اینه که حرص اونیه که دوست‌داری رو در بیاری بعدا با تمام وجود سعی کنی از دلش در بیاری و با تمام وجود دنبال خوشحال‌کردنش تو اون لحظه باشی مگه داریم از لحظه‌ای کلی حرص خورده ولی می‌بخشتت و لبخند می‌زنه شیرین تر؟! طعمی مثل زرد الوی رسیده داره شیرین و شکر پاره و خوش طعم و مزه.

R O M A N I K

بعضی موقع‌ها دلت گرفته و نمی‌دونی چیکار کنی حس می‌کنی به یه پناه برای بیرون ریختن عقده‌های دلت و حرف زدن و درد دل کردن نیاز داری ولی هر طرف می‌ری خلأ حضور اون پناه و پشتیبان رو حس می‌کنی اینجا بدترین ضربه برای یه آدمه چون ممکنه قلبش بگیره و برای همیشه از کار بیفته یا اون آدم توی خودش دردا رو جمع کنه و تبدیل به غم‌باد بشه.

جایگاه امن و پناه‌گاه و پناه و پشتیبان ربطی به زن و مرد بودن نداره گاهی مواقع به مرد نیاز به پناه داره، پناهی که راحت حرفاش رو بهش بزنه پناهی که هر ساعت شبانه روز درد و دلش و گوش بده و با حرف‌هاش و راهنمایی‌هاش بهش حس آرامش رو القا کنه. اگر مرد و زنی اینطوری باهم همراه باشن پشت و پناه هم اون زندگی تموم بشو نیست...

بعضی موقع‌ها دلت میخواد مرگت فرا برسه و همون لحظه بمیری و دنیا تموم بشه ولی یهو یادت می‌افته که
به قول مرتضی پاشایی عزیز

«یکی هست تو قلبم که هر شب می‌نویسمو اون خوابه»

یک نفر هست که هر نفسش به یاد تو دم و بازدم میشه پس پشیمون می‌شی و به راحت ادامه می‌دی و از تصمیمت منصرف می‌شی...

R O M A N I K

آغوش امن و گرم صرفا بغل کردن نیست آغوش گرم می‌تونه به آدم باشه که بهت حس امنیت بده وقتی تند باد ها و سونامی‌های زمانه سراغت اومد به اون پناه ببری و از هیچ چیز ترسی و مطمئن باشی که تا ابد اون پشتته...

بین ارزش قائل شدن واسه آدم‌ها و انسانیت ربطی به طرف مقابل نداره این که به نفر بلد نیست پشت و پناه به زن و فرزندان خودش باشه به خانواده اون شخص ربط داره که چجوری تربیتش کنن به آدم قوی و پناهگاه یا به آدم ضعیف و زبون و شایدم رذل!

این آهنگه هست که می‌گه

«مثلا روم زوم کنی بوم بوم کنه قلبم»

دقیقا حال منه وقتی نگاهم بسته میشه به نقاشی دلچسب چشمتا ضربان قلبم می‌ره بالا و وقتی که چشمتا رو می‌بندی به چشمام دلم می‌خواد از قفس سینه‌ام بیرون و با قلب تو یکی بشه...

فکرش را بکن مجنون دست از دیوانگی بر دارد و عاقل شود و راهی بجز عشق را در پیش گیرد آنجاست که من هم عاقل می‌شوم و راهی به جز عشق تو در پیش خواهم گرفت لیلی‌ترین لیلی دنیا.

R O M A N I K

بعضی وقت‌ها عاشق بودن و دوست داشتن نمی‌تونه حس خوبی بهت بده چون آنقدر زخم خوردی آنقدر مردم این آشفته‌بازار کهنه دنیا بهت خنجر زدن و اذیتت کردن که حتی عشق رو دروغ می‌دونی و فکر می‌کنی کسی که می‌گه عاشقته هم اومده بهت زخم بزنه و بره گاهی وقت‌ها مثل وقت غروب آفتاب در کنار دریاست که وقتی نگاه بهش می‌کنی بهت حس امنیت بده حس به تکیه‌گاه و پناهگاه محکم...

همیشه می‌گن آدمای که خیلی می‌خندن و خیلی شادن غم و غصه زیاد دارن درد زیاد کشیدن پس فکر کنم با این حساب من کوه دردم چون آنقدر غم تو دلم هست که هر جاشو وصله می‌زنم یه جایی دیگه پاره میشه و از بس دلمو وصله و پینه زدم شده مٹ یه تشک چهل تیکه!

دوست داشتن تو دلیل و علت و معلول و مجهول و شعر و بیت و قافیه نمی‌خواهد دوست داشتنت جان شیرین دادن می‌خواهد که جان شیرین را هم بخواهند می‌دهم ولی باز می‌گویم شیرین من دوستت دارم!

شیرین تر از عسل شهد شکر قند نبات نیست نه هرگز شیرین تر از عسل لبخند عاشقانه دوست وقتی در کنارم هستی و در کنارم برای خوشبختیمان می‌جنگیم آنجاست که هرگاه لبخند تو را می‌بینم حس می‌کنم تکیه‌گاه و پناهی به بلندای کوه‌های سربه‌فلک کشیده زاگرس و جنگل‌های بلوط هیرکانی دارم و هیچ‌گاه شکست نخواهم خورد چون شیرینی لبخند دوست که به من قدرت می‌دهد...

زندگیم از روزی مهر آغاز خورد که تو آمدی به زندگی من و چراغ راه زندگی من شدی بدون تو اصلا این زندگی را نمی‌خواهم زندگی من، تو و روزی که با تو آشنا شدم روز آغاز زندگی من بود و خوشحالم که تو رو دارم.

خیلی حرفه که شب و روز به فکر یه نفر باشی و شب که سر روی بالشت میزاری با فکر همون یه نفر به خواب بری از این عشقا توی دنیای خاکی ما کم پیدا میشن قدرشون رو بدونید و اگر پیداش کردی دو دستی واقعا کمه با چسب آهن بچسبونش به دیوار دلت که تکون نخوره همچین پسرا و دخترای نایابن.

قلب این شکلی که تو نقاشی هامون میکشم نیستا این دو تا قلبه نه یه قلب که ما تو نقاشی هامون می کشیمش دو تا قلب عاشق که یه پیوند محکم و ناشکستنی به اسم عشق و دلدادگی بهم پیوندشون داده مثل قلب من و تو که یه پیوند پاک به اسم عشق سفت و محکم بهم گره شون زده و هیچ بدخواهی نمی تونه از هم بازشون کنه

تمام رنگ‌های دنیا را هر رنگی که می‌خواهد باشد در بوم نقاشی‌ام جمع خواهم کرد و بی‌هیچ آرایه‌ای بی‌هیچ کنایه و تشبیه و ایهامی بر بوم خواهم نوشت با رنگ هفتاد رنگ آسمانی دوستت دارم ای آسمانی‌ترین و خاص‌ترین عشقم!

در کوچه پس کوچه‌های شهر عاشقی و در کنار گذر خیابان گل همیشه بهار چه جای زیباییست برای قدم‌زدن‌هایمان. جایی در سایه سار گل‌های زیبای ترنج و بوی خوش بهار نارنج با نگهبانانی از فرشتگان آسمانی عاشقانه‌هایمان را تقسیم کنیم...

وقتی که عاشق به نفر بشی دیگه بهتر از اون برات وجود نداره حتی اگر صف زیباترین ها هم جلوت صف بکشن برات زیبا نیستن چون یکی رو داری که برات بهترینه تو اون موقع فکر می کنی پادشاه عالمی وقتی اون کنارتو اون بهتر از همه ست و هیچ کسی مثل اون نیست...

دوست داشتنت مثل تکرار هر ساعت و هر روز که می گذرد مثل گذر عقربه ثانیه گرد ساعت در من بیشتر می شود هر ثانیه بیشتر از ثانیه قبل متوجه می شوم که تو را بیشتر دوست دارم و به این ایمان و باور می رسم که جز دوست داشتن تو و عاشقانه خواستنت هیچ حسی برایم زیبا نیست به اندازه تمام ثانیه های عمرم که گذشت و نیامده و یا خواهد آمد دوستت دارم.

کاش چراغ جادویی علاء الدین را داشتم؛ آن وقت از غول آرزوها فقط تو را در خواست می کردم که فقط تو را به من بدهد چون تو تنها آرزوی نرسیده منی دلبر!

تاوان دوست داشتن تو را هر چه باشد حاضرم با جان و دلم پذیرا باشم، حتی اگر همچون قرون وسطی با شلاقی در وسط میدان شهر شلاقم بزنند تاوان خواهم داد ولی در پایان خواهم گفت تو را عاشقانه دوست دارم...

همه‌ی دنیا رو گشتم تا به تو رسیدم و میخوام نگهت دارم به کوری چشم تموم آدمایی که
 نمی‌خوان ما با هم‌دیگه باشیم.

از چرخ و فلک روزگار و تقدیر و سرنوشت ممنونم که همچون تویی را در سرنوشت من
 قرار داد و قلم بر عشقمان بر برگه‌های کائنات گذاشت تا من و تو با عشق پیوند
 بخوریم...

خود خود خدا هم در قلم سرنوشتش ماند که چگونه بر دل سرنوشت این‌گونه زیبا نوشت
 و دختری از جنس بهار عاشق پسری از جنس خرما پزان مرداد شد و این‌گونه شیدای هم
 شدند خود خدا هم در تعجب است از عشق من و تو که این‌گونه زیبا و بی‌آلایش است.

از وقتی که اومدی تو زندگیم دیگه یادم نمی‌اد روزای قبل از تو چه شکلی بودن روزای قبل
 از تو رو چجوری زندگی کردم یا اصلا قبل از تو طعم زندگیم چه جوری بوده چون از وقتی
 تو اومدی توی زندگیم از اون روز من متولد شدم و زندگیم طعم و مزه شیرینی گرفت و
 بهترین شد زندگی من.

چشمان تو آنقدر زیبا و جذاب است که مطمئنم خورشید صبح‌گاهان نورش را از چشمان تو
 قرض می‌گیرد و تابش خود را بر زمین آغاز می‌کند!

بعضی کارها واسه عشقت کلا مردونه‌ست و هر جوری حساب می‌کنی فقط خودم باید برات انجام بدم مثلاً پشت سرت بشینم، خرمن خرمایی گندم گون و زیبای موهایت را بیافم و تو لذت ببری و لبخند بزنی و من دیوانه شوم با خنده‌ی تو.

خیلی خوبه که یه نفر باشه وقتی همه دنیا ناراحت و ناامیدت کرده اون امیدت باشه زندگیت باشه و بودنش کنارت همه حال بدتو بشوره بیره و باعث بشه حالت خوب بشه تو همون یه نفر منی دلبر!

هر چیزی یه روزی خراب می‌شه و نیاز به تعمیر یا جایگزین کردن داره اما تنها چیزی تو دنیا که نه تعمیر می‌شه و نه می‌شه جایگزینش کرد تویی دلبر بی‌جایگزینم.

R O M A N I K

دیدن غروب آفتاب کنار دریا و تماشای پایین رفتن خورشید در اعماق دریا خیلی زیباست ولی هیچ‌کدام به زیبایی نگاه کردن به تو وقتی که می‌خندی نیست.

تو همون شاخه گل‌رز سرخ باغچه سرنوشتی که خدا برام نوشت از شاخه جدایش کنم و در باغچه دل بکارمش.

تو همان خوشه‌ی سنبله زرد گندمی که در گندمزار عشق روئیده بودی و من از ساقه جدایت کردم و بر گلدان طلایی پشت پنجره‌ی دل گذاشتمت.

همه کیمیاگران دنبال اینند که با جادو و کیمیاگری مس را تبدیل به طلا کنند ولی چه کنم که نمی‌دانی کیمیای چشمانت با من چه کرد؟! کیمیای چشمانت خاک سیاه و مرده سرزمین قلبم را طلا کرد...

ای کاش خدا دینی داشت به نام دین مبین چشمانت و من اولین کسی بودم که به همه ادیان کافر میشدم و به چشمانت ایمان می‌آوردم.

در گوی جادویی چشمانت رازی نهفته است که نمی‌دانم چیست ولی می‌دانم تنها راز عجیب در دنیای خداست که دل مرا برد چشمان جادوگرت بود که دل از سینه‌ام ربود...

به قول یوسف زمانی:

همه چی یهوایی شد، اومدی رفتی تو قلبم، واسه دردم شدی مرهم

اره خیلی یهوایی و بدون مقدمه وارد زندگیم شدی و مثل گل پیچک به دور زندگیم پیچیدی و تمام زندگیم را مال خود کردی

آنقدر تمام زندگیم شدی که نمی دانم چطور قبل از تو من زندگی کردم و زندگیم قبل از تو چطور بود و چگونه گذشت؟!*

بعضی موقع ها، حسابی دلتنگش می شی آنقدر که مثل یه مرغ پر کنده بال بال میزنی ولی هیچ راهی برات نمی مونه.

از شدت دلتنگیش دلت میخواد بری یه جایی که هیچ ادمی نباشه و از شدت دلتنگیش گریه کنی.

مثل حال الان من که حسابی دلتنگتم ولی ازت دورم و نمی تونم از نزدیک ببینمت...

بعضی از ادم ها هستن که اگر میلیون ها کیلومتر ازت دور باشن، عمرا اگه دلتنگشون بشی و بخوای یه لحظه ببینیشون .

R O M A N I K

ولی بعضی ها هستن تو زندگیت که به تار و پود و بند، بند وجودت گره خوردن و حتی اگر یک متر ازت فاصله بگیرن حسابی دلتنگشون می شی و حس دلتنگی گلوت رو می گیره و می خواد خفت کنه .

مثل من که الان حسابی دلتنگتم ولی نمی تونم ببینمت...

من نمی‌دانم بهشت کجای آفرینش خداست یا کجای زمین است و یا جهنم کجاست و مکانش را خداوند کجا قرار داده، فقط می‌دانم هر کجا که باشم و به یاد تو و با یادگاری‌های تو نفس بکشم همان‌جا بهشت زیبای خداست...

خدا بهشت رو واسه آدم‌های که عاشق خودش بودن خلق کرد.

خدا وقتی فهمید که من واسه رسیدن به بهشتش هیچ تلاشی نمی‌کنم بهشت چشم‌های زیبای تو را آفرید تا من برای رسیدن به بهشت زیبای دو چشمان دلفریبت تلاش کنم.

کاش اگر قرار باشد چیزی از این نصیب من گردد فقط و فقط قلب تو و عشق تو باشد و گرنه چیزهای دیگر را همه می‌توانند با پول بخرند و با پول داشته‌باشند و تنها عشق است که با هیچ پولی قابل خریدن نیست و چه بهتر که آن عشق هم عشق تو باشد.

R O M A N I K

بعضی عشق‌ها هست که شاید به زبان ظاهر بگی، دیگه دوستش ندارم ولی وقتی توی خلوت خودت و وقتی تو تنهایی هات آلبوم عکس‌هاش و عکس‌هاتون رو ورق می‌زنی از این که عاشق اون هستی کلی ذوق کنی و بخندی، همچین عشقی هرگز تموم نمی‌شه...

مثل عشق من به تو که شاید بعضی موقع‌ها به فکر این باشم که کنارت نباشم، حتی یه ذره کوچولو ولی ته تهش واسه داشتنت جونمم می‌دم...

تو راهی که می خواستم واسه به دست آوردن تو و عشقت تلاش کنم، خیلی ها بهم گفتن راهرو دارم اشتباه می رم و انتخاب تو اشتباه ترین کار زندگیمه ولی من مطمئن بودم که تو حتی اگر اشتباه هم باشی، این اشتباه رو دوست دارم...

می دونی چقدر زیباست از این به بعد زندگیم رو قراره کنار تو باشم و تک به تک موهای مشکمی مون کنار هم می خواد سفید بشه، به قول اون جمله که می گه عشق در جوانی زیباست ولی باهم پیر شدن چه صفایی دارد...

می دانی؛ من مقصر نبودم که عاشق و دیوانه تو شدم، مقصر حضرت حق بود که تو را این گونه زیبا و شیرین و دلنواز طرح زد که من عاشقت شوم!

R O M A N I K

«با تشکر از نگاه زیبای شما، این اثر به پایان رسید.»

برای مطالعه دیگر آثار نویسندگان، از سایت رمانیک بازدید فرمایید.

برای ارسال اثر نوشته شده توسط شما و انتشار آن بر روی سایت رمانیک، به **این لینک** مراجعه کرده و یا به اعضای انجمن رمانیک بپیوندید.

رمانیک در شبکه‌های اجتماعی:

R O M A N I K



[Romanik ir](#)



[Romanik ir](#)



[Romaniki](#)